

نیاز دارد که با یک ارکستر کامل کار شود، اگر تشخیص درست داده شود قطعاً آن کار برای آن فیلم بهترین می شود ولی اگر فقط سلیقه باشد و به فیلم ارتباطی نداشته باشد شاید خیلی خوب از آب در نیاید. در باره ی تاثیر گذاری ارکسترال بر مخاطب باید بگویم که آن هم کاملاً سلیقه‌ای است یعنی بستگی به سلیقه ی مخاطب دارد اما احساس من این است که اگر موسیقی جایگاه درستی را در فیلم داشته باشد مخاطب آن را دوست دارد، فارغ از اینکه موسیقی ارکسترال یا الکترونیک باشد. اگر جایگاه موسیقی درست نباشد فقط طرفداران آن سبک موسیقی از آن خوششان می آید.

حرکات بدن، راه رفتن، فکر کردن در ماشین و حتی نگاه کردن شخصیت مالک بیشتر اوقات با موسیقی شما ممزوج شده است. تیزرهای ابتدایی که با موسیقی همراه بود و شکل معرفی مالک در سکانس قرار دادی که در قسمت اول امضا شد را چقدر در محبوبیت این شخصیت مؤثر می دانید؟ در واقع از نظر شما موسیقی در محبوبیتی که در قسمت های اول ایجاد شد چقدر مهم بوده است؟

همانطور که گفتم ما سر موسیقی با محمدحسین مهدیان خیلی گپ و گفت داشتیم. من موسیقی را بعد از خواندن رمان ساختم، یعنی وقتی با مهدویان راجع به آن صحبت کردیم چون فیلمنامه هنوز آماده نبود من رمان را خواندم و بستر اصلی داستان دستم آمد و بر اساس آن و اینکه کارگردان قرار است چه کاری برای شخصیت مالک انجام دهد این موسیقی ساخته شد. چرا که

موسیقی را من انجام داده ام این طور نبوده که موسیقی بخواهد وضعی را بپوشاند. خدا را شکر کارهای ایشان همیشه آنقدر درجه یک بوده که موسیقی باید تلاش کند تا از تصویر کم نیابد و در هر صورت آن هم بتواند ظاهر شود و به احساس صحنه کمک کند.

همکاری مستمر با یک کارگردان در حیطه موسیقی، سبک آهنگسازی را به تکرار نمی رساند؟

محمدحسین مهدویان چون کارهای متفاوتی انجام داده، من این شانس را داشته ام که بتوانم تجربه های متفاوتی را داشته باشم. در فیلم «ایستاده در غبار» موسیقی ارکسترال با فضای دهه ی پنجاه داشتیم و در فیلم «ماجرای نیمروز» من یک مقدار موسیقی را مدرن تر کردم. در فیلم «درخت گردو» موسیقی فولک کردی کار کردم که با کارهای دیگر خیلی متفاوت بود. در فیلم «لاتاری» فضا یک مقدار غربی بود و در سریال «زخم کاری» فضا به شدت متفاوت شده است. در فیلم «شیشلیک» موسیقی یک فضای نسبتاً فانتزی دارد که آن هم با کارهای دیگر فرق دارد. بنابراین چون او هم در یک سبک کار نکرده، من این شانس را داشتیم که بتوانم ژانرهای مختلف را در کنارش تجربه کنم.

موسیقی ارکسترال در آثار ایرانی کمتر استفاده می شود و در فیلم محسن قرایی اتفاقی به این سبک سیمرغ می گیرد و شما هم این ریتم را در «زخم کاری» داشتید. تاثیر گذاری استفاده از ارکستر در یک کار ضبطی چقدر بر مخاطب کمتر یا بیشتر است؟

من به شخصه به شدت طرفدار موسیقی ارکسترال هستم اما در هر صورت اگر فیلم به یک چنین چیزی نیاز نداشته باشد مجبور هستم تا این را کمرنگ کنم. در سریال «زخم کاری» هم من از ارکسترال استفاده کردم، یعنی در بعضی از قطعات و در تیتراژ من از ارکستر زهی استفاده کرده ام و آن را با موسیقی الکترونیک تلفیق کرده ام؛ در واقع به صورت محض موسیقی الکترونیک کار نکرده ام. این مسأله به فراخور خود فیلم اتفاق می افتد و من در مورد سیمرغ نظری ندارم اما قطعاً سبک موسیقی نمی تواند دلیل جایزه ی موسیقی باشد و قطعاً سبک موسیقی دلیل بر خوب یا بد بودن موسیقی نیست. چون گاهی اوقات یک فیلم شاید نیاز دارد که با یک تک ساز کار شود و گاهی



من موسیقی را بعد از خواندن رمان ساختم، یعنی وقتی با مهدویان راجع به آن صحبت کردیم چون فیلمنامه هنوز آماده نبود من رمان را خواندم و بستر اصلی داستان دستم آمد و بر اساس آن و اینکه کارگردان قرار است چه کاری برای شخصیت مالک انجام دهد این موسیقی ساخته شد

